روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۰ • ۱۲ شعبان ۱۴۴۳ • ۱۵ مارس ۲۰۲۲

سال نوزدهم • شماره ۴۲۴۴ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

از سوی مقام معظم رهبری صادر شد

پیام تسلیت به آیت‌الله جوادی آملی و حجت‌الاسلام صدر حسینی

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری با صدور پیام درگذشت اخوی مکرّم آیت‌الله جناب آقای جوادی‌آملی را تسلیت گفتند. متن پیام تسلیت به این شرح است: بسم الله الرحمن الرحیم، آیة‌الله جناب آقای جوادی‌آملی...

صفحه ۲

رئیس قوه قضائیه دستور داد

مساعدت درباره محکومانی که حضورشان در جامعه واجد ضرر نیست

مرکز رسانه قوه قضائیه: رئیس دستگاه قضا در جلسه شورای عالی قوه قضائیه گفت: «نظام جمهوری اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور و تحقق منویات حضرت بَقیّةالله (ارواحنا فداه) که همان اجرای قسط و عدل است پایه‌گذاری شده است...

صفحه ۲

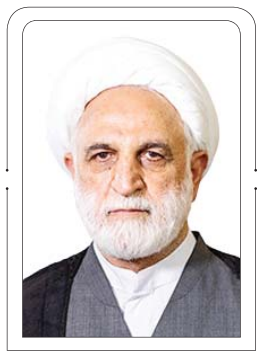

فراکسیون مستقلین ولایی مجلس: روسیه باید به مذاکرات برگردد

تغییر موضع بهارستان در برابر روسیه

صفحه ۳

آیا احیای برجام بدون روسیه ممکن است؟

همچنان مسکو مقصر نیست

صفحه ۴

گفت‌وگو با سعید لیلاز:

روسیه چه بخواهد چه نخواهد توافق صورت می‌گیرد

صفحه ۵

عکس: Gettyimages

تیترها

سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه به سبک بهزاد نبوی

صفحه ۲

سیدحسن خمینی در واکنش به اعدام شهروندان عربستانی:

مدعیان چرا ساکت‌اند؟

صفحه ۳

علی دایی - مهسا کمالی ۲ کلمه، ۲ برخورد

صفحه ۱۱

رئیس باغ ملی گیاه‌شناسی و فعالان محیط زیست هشدار دادند

برج‌ها قاتل باغ منحصربه‌فرد خاور میانه

صفحه ۹

آرزویی نه‌چندان بزرگ برای سال و سده پیش‌رو

سیدعلیرضا حسینی‌بهشتی

۳

روی پای خودم ایستادم و به تنهایی جلو آمدم

گفت‌وگو با مریم سورنامهر

۷

سرمقاله

روی اسب بازنده شرط‌بندی نکنیم

جاوید قربان‌اوغلی

روسیه بازنده جنگ اوکراین است، حتی اگر «کی‌یف» را نیز اشغال کند، زلنسکی را دستگیر یا ترور کند یا با استقرار در کی‌یف و گماشتن دولت دست‌نشانده، او را وادار به فرار به غرب اوکراین یا خارج از کشور کند. سرنوشت پوتین نیز در اوکراین و جنگی که او به‌تنهایی درباره آن تصمیم گرفت، رقم خواهد خورد. رئیس‌جمهوری که مسبب جنگ، تحریم‌های فلج‌کننده و سقوط روسیه از قدرتی تعیین‌کننده و بازیگری تأثیرگذار در سطح جهان به شرایط احتمالا پس از فروپاشی شوروی است، باید پاسخ‌گوی خطای استراتژیک خود باشد. از دیدگاه نظامی، ۲۰ روز پس از تهاجم سراسری، ارتش روسیه با استفاده از همه امکانات نظامی، به زحمت به دروازه‌های پایتخت رسیده و مشخص نیست در صورت حمله نهایی به کی‌یف چه سرنوشتی در انتظار ارتش روسیه خواهد بود. برخلاف تصورات پوتین، مردم اوکراین از نیروهای نظامی روسیه استقبال نکردند. با تمام قوا و با اندک تجهیزات در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح پوتین مقاومت کردند، مقاومتی که انتظار می‌رود حتی پس از سقوط کی‌یف نیز ادامه داشته باشد و ارتش پوتین را در باتلاق اوکراین ماه‌ها و در صورت لجاجت روسیه، سال‌ها در خود گرفتار کند. از نظر اخلاقی نیز پوتین بازنده جنگ است. پوتین که نماد بالاکشیدن روسیه از یک کشور مفلوک جهان‌سومی، پس از فروپاشی شوروی، به یک قدرت نسبتا بزرگ اقتصادی و ارتقای جایگاه روسیه در جهان تا چند ماه قبل از مطرح‌ترین رهبران جهان بود، در پرتو خطای استراتژیک و نسنجیده حمله نظامی به اوکراین، به عنصری منفور و مطرود تبدیل شد. موج نفرت و انزجار از او سراسر جهان را فراگرفته و در داخل روسیه نیز بر اساس آمار منتشرشده بیش از هزارو ۵۰۰ نفر از معترضان به جنگ، بازداشت و روانه زندان شده‌اند. موج اعتراضات علیه اقدام پوتین با وجود سرکوب شدید، همچنان ادامه دارد. در مقابل زلنسکی، کمدین دیروز با ایستادگی ناباورانه و دست رد به پیشنهاد خروج و پناهندگی به قهرمان ملی ۴۳ میلیون اوکراینی و نماد مقاومت تبدیل شد. از نظر بین‌المللی، ۱۴۱ کشور عضو سازمان ملل به قطع‌نامه‌ای که حمله روسیه به اوکراین را محکوم می‌کند و خواستار خروج فوری نیروهای روسیه از اوکراین شدند، رأی مثبت دادند که چین بزرگ‌ترین متحد پوتین نیز در میان این کشورها قرار دارد. تنها چهار کشور بلاروس، کره شمالی، سوریه و اریتره به قطع‌نامه رأی منفی دادند. قطع‌نامه تصویب‌شده به‌شدت از تهاجم روسیه به اوکراین ابراز تأسف می‌کند، از روسیه می‌خواهد که استفاده از زور علیه اوکراین را فورا متوقف کند و بی‌قیدوشرط تمام نیروهای نظامی خود را از اوکراین خارج کند. این بزرگ‌ترین شکست دیپلماتیک و انزوای بین‌المللی روسیه طی چند دهه اخیر است. از منظر اقتصادی، تحریم‌ها روسیه را به فلاکت خواهد کشاند و بر تهیه امکانات و لجستیک برای ارتش مهاجم در صورت طولانی‌شدن جنگ، به‌شدت تأثیر گذاشت. ضمن اینکه افزایش تلفات علی‌الخصوص بین افسران ارشد و ژنرال‌ها و فرسایشی شدن جنگ نارضایتی علیه پوتین را تشدید خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

پیچیده در غبار!

حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

این آخرین روزهای سال در شرایطی به پایان می‌رسد که سایه ابهام و بلاتکلیفی بیش از هر زمان دیگری بر آن سنگینی می‌کند. متأسفانه نه تکلیف برجام به‌عنوان مهم‌ترین گره سیاسی-اقتصادی کشور مشخص است و نه سیاست‌های اقتصادی دولت فارغ از این توافق، روشنی و جلوه خاصی دارد. آنچه همچنان در فضای اقتصادی کشور حاکم است، سردرگمی است و این بدترین وضعیت برای یک کشور درحال‌توسعه در جهان هر روز رو به جلوست، چراکه عنصر اصلی و اساسی هر توسعه‌ای یعنی «سرمایه‌گذاری» را بلاامکان می‌کند. دولت سیزدهم در این چند ماه سکانداری امور در حوزه اقتصاد چند پروژه را به اجرا گذاشت که هیچ‌یک، گرهی از گره‌های وضعیت بغرنج اقتصادی و کسب‌وکار و زندگی مردم نگشود. نرخ تورم اگرچه درصدی پایین آمده، اما همچنان بالای ۴۰ درصد جا خوش کرده است و رشد اقتصادی نیز اگرچه به واسطه کاهش فشارها و فروش نفت، اندکی بهتر و در حول و حوش سه تا چهار درصد پرسه می‌زند، اما به‌شدت بی‌ثبات است. در این میان هرچند عنوان شده که از استقراض از بانک مرکزی خودداری شده، اما هم نقدهای کارشناسی و از جمله آنها نظر رئیس سابق بانک مرکزی و رقیب انتخاباتی رئیس دولت فعلی در رد این ادعا («اعلام شد که از شهریورماه هیچ‌گونه استقراضی از بانک مرکزی نبوده است. خوب است بدانیم تأمین کسری از طریق فشار به بانک‌ها و صندوق‌های آنها نیز منجر به اضافه‌برداشت سنگین از بانک مرکزی می‌شود، که شده است. نتیجه، استقراض غیرمستقیم و بسط پایه پولی است»- همتی در پاسخ به خاندوزی-۱۴۰۰،۱۰،۵) و هم آمار و ارقام رشد نقدینگی از درنوردیده‌شدن مرز چهارهزار و ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی و رشد بالای ۴۰ درصدی خلاف این ادعا را نشان می‌دهد.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت

کلان‌شهر ناکارآمد و اختلال ارتباطی در خانواده ایرانی

منصور ساعی*

شهر تنها یک فضای فیزیکی و کالبدی نیست؛ شهر سیستمی است که عناصر سازنده آن یعنی انسان، شهروند، خانه و خانواده، خیابان و نهاد و سازمان‌های شهری در یک قالب نظام ارتباطی با هم در ارتباط، تعامل و تبادل هستند و بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌گیرند. در واقع نظام حاکم بر شهر بر نظام ارتباطی و تعاملی عناصر تشکیل‌دهنده آن نیز تأثیر می‌گذارد. در کلان‌شهر ایرانی، به‌دلیل ناکارآمدی نهادهای شهری در وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، فراغتی و سیاسی خود، «خانه و خانواده» را به یکی از کانون‌های شکل‌گیری اختلال و منازعه تنش‌های ارتباطی و تعاملی بین اعضای خانواده تبدیل کرده است. چرا کلان‌شهر ایرانی عامل چنین اختلالی است؟ باید گفت که در نظام مدرن شهری با تقسیم کار مدرن، بخش مهمی از کارکردهای سنتی اقتصادی، آموزشی، تربیتی، اجتماعی، قضائی و تفریحی خانواده پیشامدرن ایرانی به نهادهای مدرنی نظیر شهرداری، دولت، مهدکودک، مدرسه، دانشگاه، سازمان/ شرکت، نهادهای مالی و بانک، قضائی، نهاد رسانه، نهاد بهداشت (بیمارستان و درمانگاه) و نهاد حمایتی و پرستاری (خانه سالمندان و مددکاری و...)، انجمن‌های علمی و صنفی، نهادهای فراغتی مدرن (سینما و تئاتر، کتابخانه، سالن‌های ورزش و کافه، رستوران و...)، خیابان، پارک و... واگذار شده است. اما به‌دلیل ناکارآمدی و کژکارکردی نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهری مسئولیت سنگین جبران ناکارآمدی‌ها در تمام حوزه‌های رفاهی، فراغتی، مهارتی، آموزشی، سلامت و ازدواج و دغدغه یافتن کار به دوش افراد افتاده است و این امر در خانواده شهری به اختلال و اختلافات خانوادگی در روابط بین زوجین و روابط والدین و فرزندان دامن زده است؛ برای نمونه به‌دلیل عملکرد نادرست، نظام آموزشی ایران، به جای تقویت مهارت‌های زندگی و امیدبخشی و تقویت انگیزه‌ها و آموزش کارآمد و خلاق برای حل مسئله، با تحمیل مکانیسم کنکور و کلاس‌های تقویتی و... به تزریق مستمر تنش و استرس به خانواده می‌پردازد و آنها را روان‌رنجور و افسرده می‌کند و این امر به اختلال ارتباطات انسانی در خانواده و روابط بین والدین و فرزندان می‌انجامد. نهاد مدرسه قادر نیست مهارت‌های زندگی و برآمدن از پس مشکلات روان‌شناختی را به فرزندان یاد دهد یا فرزند را برای آن شرایط آماده کند، والدین تا رسیدن فرزندشان به ۴۰ سالگی مجبورند بار آن را به دوش بکشند. مدیریت استرس و مهارت‌های زندگی در مدرسه آموزش داده نمی‌شود و طبیعی است وقتی که این‌قدر بار خانواده سنگین شده و نقصان عملکرد سایر نهادهای بیرون از خانواده به داخل خانواده وارد می‌شود. اینجاست که فرصتی برای تعامل درست و آرام و ابراز شادی و نشاط باقی نمی‌ماند. باید خانواده از این فشارها فارغ شود تا بتواند به گفت‌وگوی بین نسلی بپردازد. نظام آموزشی ایران به‌ویژه مدرسه در دوران نوجوانی، خود به یک مسئله و منبع تولیدکننده و تزریق‌کننده تنش و استرس در بین والدین و فرزندان تبدیل شده است. فرزند از صبح تا عصر خسته از مدرسه و کلاس کنکور و زبان برمی‌گردد و در شب هم باید تکالیف را انجام دهد و در تعطیلات نوروز هم اردوی مطالعاتی و درس دارد. دیگر رمقی برای گفت‌وگوی بین نسلی در خانواده نمی‌ماند. کنکور و کلاس‌های تقویتی به بزرگ‌ترین مسئله و دغدغه خانواده‌ها تبدیل شده است که همه می‌خواهند تمام تعاملات زندگی را فدای مسابقه کنکور کنند. این دقیقا ناشی از ناکارآمدی این نهاد اجتماعی است که به‌طور سیستماتیک در حال تزریق استرس و فشار روانی به والدین و فرزندان است، به‌طوری‌که ما از طریق نظام آموزشی و کنکور، فرزندان نگران و روان‌رنجوری را تربیت می‌کنیم و تحویل جامعه می‌دهیم. کلان‌شهر باید بخش اعظم مسئولیت اجتماعی کردن و تربیت شهروندان سالم، مفید، بانشاط، امیدوار و فعال را بر عهده بگیرد، اما در ایران به دلیل سیاست‌زدگی همه عرصه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، شهر و خیابان کارکرد اصلی را انجام نمی‌دهد، به حل یک مسئله اجتماعی نظیر روابط عاطفی دختر و پسر در دوره جوانی کمک نمی‌کند، به مشکل اعتیاد رسیدگی نمی‌کند، مهارت حل مسئله و گفت‌وگو را یاد نمی‌دهد، برای فراغت و تخلیه هیجانات و انرژی نسل جدید فضا و برنامه‌ای ندارد. اما در عوض، شهر تنها به محل و فضای انتقال انگاره‌ها و پیام‌های سیاسی و ایدئولوژی تبدیل می‌شود، اتفاقاتی که در شهر و جامعه باید رخ بدهد کجا می‌رود؟ به درون خانواده می‌رود و در محیط‌های مخفی و پارتی‌ها و میهمانی‌ها رخ می‌دهد.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

چهارشنبه‌سوری جشنی ایرانی- شیعی

سیداحمد محیط‌طباطبایی

چهارشنبه‌سوری از دو لفظ چهارشنبه و سور تشکیل شده است. سور متعلق به یکی از قدیمی‌ترین آیین‌های ایرانی است؛ آیینی که حتی در دورانی همچون عصر ساسانیان به دلایل مختلف مورد توجه نبود و سخت توسط مردم برگزار می‌شد. جشن سور، جشن پایان زمستان و سلام به بهار است. مردم در شب چهارشنبه‌سوری با پریدن از روی آتش، به نشانه گرفتن گرمای آتش و خداحافظی با سرمای زمستان، به سوی بهاری می‌روند که نشانه‌ای از تجدید حیات است. در بعضی از نقاط ایران در ابتدای صبح از روی آب می‌پرند که این سنت را می‌توان در مناطقی از اردبیل هنوز مشاهده کرد. به‌طور کلی جشن سور از ویژگی‌هایی همچون سایر آیین‌هایی که متعلق به تقویم شمسی برای کشاورز، دامدار و باغدار هستند برخوردار است و حتی زمانی که نوروزی وجود نداشته است به عنوان آغاز بهار این جشن از اهمیت ویژه‌ای در میان مردمان این نقطه از جهان برخوردار بوده است. اما چهارشنبه حکایت‌گر آن است که این آیین به ایران بعد از اسلام تعلق دارد؛ زیرا گاهشماری ایرانیان در پیش از اسلام مبتنی بر ۳۰ روز و هر روز نامی داشته است، اما هفته پر از مفاهیمی است که توسط اعراب مسلمان به ایران وارد شد و این آیین مربوط می‌شود به مراسمی که یادآور قیام مختار ثقفی در کوفه است. در چهارشنبه آخر صفر سالی که توسط مختار آن قیام صورت گرفت این چهارشنبه با جشن سور ایرانیان مصادف می‌شود و چون شهر کوفه از اکثریت ایرانی برخوردار بوده است در زمان برگزاری آیین سور توسط ایرانیان، حکام بنی‌امیه گمراه شده و حدس نزدند ایرانیانی که به کوچه و برزن آمدند به قصد قیام روی آوردند. در نتیجه در پوشش جشن سور قیام مختار صورت گرفته و چون با پیروزی شیعیان همراه می‌شود هر سال شیعیان چهارشنبه آخر صفر را جشن می‌گرفتند، اما چون چهارشنبه آخر صفر مصادف با تعدادی از عزاهای مهم شیعیان از جمله اربعین و ۲۸ صفر است بعدها آن را به کناری نهاده و روز شمسی آن را مورد توجه قرار دادند، یعنی چهارشنبه را با سور مترادف کرده و جشن چهارشنبه‌سوری برگزار می‌شد. این جشن در زمانی که دولت شیعه در ایران به روی کار آمد به‌طور مثال حکومت سلطان محمد خدابنده در شهر سلطانیه به شکلی بسیار باشکوه برگزار شد.

ادامه در صفحه ۸